خبر

مردم صاحب خانه می‌شوند

ایسنا: دولت برای تامین مسکن افراد با درآمدهای مختلف برنامه‌ریزی کرده و با این برنامه‌ها حتماً قیمت مسکن کنترل شده و مردم صاحب خانه می‌شوند. محمد سعیدی کیا ـ وزیر مسکن ـ اظهار کرد: بخش مسکن وابسته به اقتصاد است و مجموعه عوامل قیمت آن را تعیین می‌کند و نمی‌توان در مورد کاهش یا افزایش قیمت آن اظهارنظر کرد. وی اضافه کرد: دولت با اجاره ۹۹ ساله زمین با قیمت‌های بسیار کم که برای هر واحد مسکونی در سال حداکثر ۲۰ هزار تومان می‌شود، سعی کرده قیمت زمین را از مسکن حذف کند. وزیر مسکن گفت: دولت برنامه‌یی برای انبوه‌سازی مسکن داشته و آن را تشویق می‌کند و لازم نیست که تعاونی‌ها خود ساخت و ساز کنند، آنها می‌توانند از انبوه‌سازان استفاده کنند. وی افزود: ۱۰ هزار میلیارد تومان وام برای ساخت پنج هزار میلیارد تومان نیز به صورت آزاد برای انبوه‌سازان در نظر گرفته شده است. سعیدی کیا تصریح کرد: دولت در جهت اجرای قانون اساسی و تامین مسکن افراد فاقد مسکن، این برنامه را در نظر گرفته که در حال حاضر حدود ۵۰ درصد این افراد مسکن ندارند. وزیر مسکن با بیان اینکه رهاورد زلزله رودبار و منجیل، دستیابی به مقررات فنی و مقررات ملی ساختمان بود، افزود: لایحه تضمین مسوولیت مجری ساختمان در مجلس شورای اسلامی مطرح است که طبق آن مجری ساختمان باید آن را بیمه کند و شرکت‌های بیمه نیز در صورت تایید کیفیت این کار را انجام می‌دهند. سعیدی کیا اضافه کرد: طبق آنچه اعلام شده، یکی از مشکلات ساخت‌وساز، عدم نظارت مناسب است که با تایید این لایحه این مشکل برطرف شده و مجری ساختمان می‌تواند از ناظر بخواهد که کار خود را بیمه کند. به گفته وی شناسنامه فنی ساختمان در بسیاری از استان‌ها ایجاد شده و در تهران هم در دست ایجاد است که شامل تمام مشخصات ساختمان بوده و خریدار هنگام خرید آن را تحویل می‌گیرد. وی اظهار کرد: عمر ۴۰ ساله ساختمان‌ها مناسب نیست و با افزایش استانداردهای ساخت و ساز باید به ۱۰۰ سال برسد. وزیر مسکن گفت: مشکل مردم در این زمینه را درک می‌کنم اما این یک کار دو طرفه بوده و دولت بستر را فراهم کرده و مردم هم باید وارد شوند.

خصوصی‌سازی پالایش پتروشیمی و اکتشاف نفت ایران

گروه اقتصادی: سفیر ایران در مکزیک تاکید کرد که بخش‌هایی از صنعت نفت ایران تا چهار سال آینده خصوصی می‌شود. محمدحسن قدیری ابیانه ـ سفیر ایران در مکزیک ـ در گفت‌وگو با روزنامه «لا ریفورما» این کشور تاکید کرد که تهران قصد دارد بخش‌هایی از صنعت نفت خود را با هدف بازسازی ساختار اقتصادی و ایجاد توان رقابت در بازارهای بین‌المللی خصوصی‌سازی کند. وی افزود: سیاست ایران به‌دنبال خصوصی‌سازی بخش نفت و جذب سرمایه‌های لازم است و در این راستا، پالایشگاه‌ها، تاسیسات پتروشیمی و تمام بخش‌های اکتشافی نفت به بخش‌های خصوصی واگذار خواهند شد. سفیر کشورمان همچنین از مقامات وزارت انرژی مکزیک دعوت کرد که با دیدار از ایران به تبادل تجربیات در زمینه نوسازی صنعت نفت و انرژی با جمهوری اسلامی ایران بپردازند. این دیپلمات ایرانی ادامه داد: ما آماده‌ایم که با مکزیک در زمینه احداث پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی همکاری کنیم. سفیر جدید ایران در مکزیک همچنین گفت: ما قصد داریم که روابط دوجانبه خود را با مکزیک تقویت کنیم و مطمئنیم با وجودی که امریکا یکی از شریکان اصلی مکزیک در زمینه تجارت به‌شمار می‌رود، روابط دوجانبه ایران با مکزیک تحت‌تاثیر فشارهای امریکا قرار نمی‌گیرد.

قیمت جهانی نفت کاهش می‌یابد

گروه اقتصادی: تازه‌ترین نظرسنجی خبرگزاری بلومبرگ نشان می‌دهد، قیمت جهانی نفت طی هفته جاری کاهش خواهد یافت. افزایش ظرفیت تولید پالایشگاه‌های امریکا مهمترین علت کاهش احتمالی قیمت نفت ارزیابی شده است. بر اساس این گزارش، ۱۴ نفر از ۳۳ کارشناس ارشد انرژی معادل ۴۲ درصد که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند بر این باورند که قیمت نفت در این مدت کاهش خواهد یافت. ۱۲ نفر معادل ۳۶ درصد نیز اعلام کردند قیمت نفت افزایش و هفت نفر نیز پیش‌بینی کردند قیمت نفت تغییر چندانی نخواهد داشت. هفته گذشته نیز ۵۰ درصد کارشناسان پیش‌بینی کردند، قیمت نفت کاهش خواهد یافت. شرکت‌های اکسون موبیل، بریتیش پترولیوم و والرو انرژی از افزایش ظرفیت تولید پالایشگاه‌های خود در امریکا خبر می‌دهند. پالایشگاه‌های امریکا هفته گذشته با ۹۱ درصد ظرفیت خود مشغول به فعالیت بودند که این رقم از ماه مه تا کنون بی‌سابقه بوده است. تاکنون ۵۴ درصد نظرسنجی‌های بلومبرگ در خصوص قیمت نفت صحیح بوده است. نظرسنجی بلومبرگ در خصوص قیمت نفت از آوریل ۲۰۰۴ آغاز شده است.

دلارگران می‌شود

گروه اقتصادی: واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست در گزارش ماه ژوئن خود ارزش دلار در برابر ریال را در سال گذشته ۹ هزار و ۲۲۷ ریال اعلام و پیش‌بینی کرد که این میزان در سال جاری به ۹ هزار و ۵۲۷ ریال برسد. انتظار می‌رود در سال ۸۷ و ۸۸ ارزش دلار به ترتیب به ۹ هزار و ۸۰۵ ریال و ۱۰ هزار و ۵۰۸ ریال برسد. در سال ۸۹ دلار از مرز ۱۱ هزار ریال فراتر رفته و با یک هزار و ۸۱۳ ریال افزایش به ۱۱ هزار و ۳۲۱ ریال می‌رسد. پیش‌بینی شده که در سال ۱۳۹۰ دلار امریکا با بهایی معادل ۱۲ هزار و ۱۶۷ ریال در ایران معامله شود که نسبت به سال ۸۵ از افزایش دو هزار و ۹۴۰ ریالی برخوردار خواهد بود.

به بهانه انتخاب رئیس جدید بخش خصوصی در ایران

رابطه دولت و بخش خصوصی روی صفحه اقتصاد

دکتر وحید محمودی

بلاشک در حوزه نظری موضوع رابطه دولت و بازار از مهمترین موضوعات پرمناقشه است که شیدایی و نفرت یا عشق و علاقه در موافقت و مخالفت با هر یک از این دو نهاد یا حدود و ثغور آن بسیار است. اهمیت تداوم اندیشه و تامل نسبت به رابطه بین این دو نهاد خصوصاً در کشورهای توسعه‌نیافته که نه بازار و نه دولت هیچ‌کدام نتوانسته‌اند به توفیق یا عملکرد درخوری دست یابند دوچندان است. به‌طور طبیعی برای مطالعه این رابطه به مرزهای اقتصاد و سیاست ورود پیدا می‌کنیم و با عینک رهیافت اقتصاد سیاسی به تحلیل این رابطه خواهیم پرداخت. دولت و اتاق بازرگانی و اصناف، بازیگران اجتماعی بخش عمومی و خصوصی هستند که به طرق مختلف با هم در تعامل هستند. آنچه مهم است این است که این وسط هیچ نوع برتری از قبل برای بازار یا دولت نمی‌توان فرض کرد و کارایی اقتصادی محصول تعامل فرآیندی و تقسیم کار اصولی بین این دو نهاد است. بنگاه‌های بخش خصوصی به دنبا از دریچه دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و سود نگاه می‌کنند و با قبول ریسک و روی آوردن به نوآوری و کارآفرینی در عرصه اقتصاد عمل می‌کنند. بازار نیز شرایطی را مهیا می‌کند تا بنگاه‌ها در آن فعالیت کرده و به رقابت بپردازند. در اینجا سیاست‌ها و کارکردهای دولت به عنوان یک عامل برون‌زا در تصمیم‌گیری بنگاه‌ها لحاظ می‌شود. اصناف و دولت به صورت یک واحد تصمیم‌گیری چند مرکزی با توزیع قدرت متفاوت در این بین ظاهر می‌شوند. در محیط بازار ارتباط بین کارگزاران و بازیگران مختلف به منظور دست یافتن به منابع در اختیار دیگر نقش‌آفرینان در بازار و تغییر رابطه مبادله شکل می‌گیرد. ولی باید توجه داشت که ارتباط بین دولت و بنگاه‌ها برحسب تنظیم رابطه تجاری برقرار نمی‌شود و مثل رابطه دو عامل در بازار نیست. این رابطه می‌تواند حمایت‌گر و بلندمدت باشد یا ممکن است مکانیکی و کوتاه‌مدت باشد. از یک طرف این دو بازیگر عرصه اقتصاد ممکن است همدیگر را ملاقات نکنند یا خیلی رسمی با هم ارتباط برقرار سازند، مثل جمع‌آوری داده برای دولت از طریق بنگاه‌ها یا مقررات تنظیم بازار. از طرف دیگر این دو بازیگر عرصه اقتصاد ممکن است از طریق استقرار نهادهای مختلف که به واسطه آنها مذاکرات، ارتباطات و اطلاعات را مبادله می‌کنند با هم ارتباط برقرار سازند. به طور خلاصه ارتباط بین دولت و بخش خصوصی را می‌توان براساس تئوری‌های موجود به صورت زیر بیان کرد.

۱-اقتصاد آزاد (Laissez-Faire): با اختیارات حداقلی دولت و اختیارات و قدرت حداکثری بخش خصوصی.

۲-اقتصاد مختلط: تقسیم منابع و فعالیت‌ها بین بخش دولتی و بخش خصوصی بر مبنای کارایی و اثربخشی.

باید توجه داشت که ارتباط بین دولت و بنگاه‌ها برحسب تنظیم رابطه تجاری برقرار نمی‌شود و مثل رابطه دو عامل در بازار نیست

۳-مدل مشارکتی: مذاکره و گفت‌وگو بین دولت و بخش خصوصی که این گفت‌وگوها از طریق نهادها و مؤسسات متفاوت دولتی و خصوصی شکل می‌گیرد.

۴-مدل برتری سیاست عمومی: دولت تنها ارائه‌دهنده سیاست و قدرت سیاسی است که از طریق این سیاست‌ها و نهادهای مربوط بر فعالیت‌های بخش خصوصی سایه می‌افکند و به آنها جهت می‌دهد.

۵-مدل برنامه‌ریزی مرکزی: با اختیارات حداکثری دولت و اختیارات و قدرت حداقلی بخش خصوصی.

در مدل اول (آزاد) دولت خوب دولت حداقلی است که براساس نظر نئوکلاسیک‌ها دولت در موارد شکست بازار مثل تولید کالاهای عمومی و تثبیت اقتصادی و... لازم است در اقتصاد دخالت حداقلی داشته باشد. در مدل دوم (اقتصاد مختلط) راهنمای دخالت دولت در اقتصاد و مشخص‌کننده سهم آن، کارایی و اثربخشی فعالیت‌های او است که براساس معیارهای رفاهی مثل بهینگی پرتو و... سنجیده می‌شوند. بنابراین دولت و بخش خصوصی مکمل همدیگر هستند. در مدل سوم (مدل مشارکتی) مرز بین دولت و بخش خصوصی به‌طور گسترده از طریق استقرار نهادها و مؤسسات مذاکره‌کننده حل اختلاف و... تعریف می‌شود. در این مدل نتیجه تعامل ممکن است یک بازی با مجموع صفر باشد، ولی به طور معمول مذاکره باعث افزایش رفاه جامعه می‌شود. در این مدل بخش عمومی تنها سیاستگذار نیست بلکه از طریق موسسات و نهادهای ایجاد شده در اقتصاد نقش یک هماهنگ‌کننده را دارد. در مدل چهارم (حاکمیت بخش عمومی) در حالی که بخش عمومی و بخش خصوصی مکمل همدیگر هستند، ولی دولت سروری تام بر بخش خصوصی دارد. دولت نماینده قدرت منحصر به فرد در اقتصاد است، که از طریق سیاست‌هایش فضای عمل برای بخش خصوصی را شکل می‌دهد بطوری که فعالیت‌های بخش خصوصی عکس‌العمل آنها در برابر عمل دولت است. در مدل پنجم (برنامه‌ریزی مرکزی) دولت بازیگر مسلط است که برنامه‌ریزی می‌کند و فعالیت‌ها را مشخص می‌سازد. فرض این مدل این است که منابع و ترجیحات شناخته‌شده هستند و عقلانیت محدودکننده‌یی وجود ندارد. در این مدل بخش خصوصی وجود ندارد یا در حداقل خود است. هر یک از ۵ مدل بالا محدودیت‌ها و مزایای خود را دارند و انتخاب آنها بستگی به ترتیبات اجتماعی هر جامعه‌یی دارد. بطور تاریخی در امریکا و کشورهای اروپایی و اسکاندیناوی عمدتاً سه مدل اول و در کشورهای آسیایی مدل چهارم تجربه شده‌اند و کشورهای کمونیستی نیز تجربه مدل برنامه‌ریزی مرکزی را با خود دارند. همچنین ممکن است که در یک کشور به طور همزمان بیش از یک مدل از مدل‌های ارتباطی فوق به‌کار گرفته شوند بطوری که لابی‌ها و رانت‌جویی‌های خاص از دولت نیاز به استقرار همزمان چند مدل داشته باشد. براساس تئوری‌ها و تجربیات عملی به نظر می‌رسد که امروزه به واسطه بروز پدیده‌هایی مثل جهانی شدن اقتصاد، عدم کارایی و شکست دولت‌ها، شکست بازار و... استقبال از مدل سوم (مدل مشارکتی) رو به افزایش است. از نظر دیسیپلین‌های علمی، توجهات به تئوری شبکه، اقتصاد نهادگرایی، تئوری‌های سازمان و مدیریت، توصیه‌های زیادی برای استفاده از این مدل در تعریف رابطه بین بخش خصوصی و دولت را به عمل آورده‌اند. در این مدل تنها یک تصمیم‌گیرنده وجود ندارد، بلکه تصمیم‌گیرندگان در مقیاس‌های مختلف از سطح فردی تا سازمانی به چشم می‌خورند. در این مدل بازیگران غیربازاری مثل رسانه‌ها، نهادهای مدنی و غیردولتی نیز نقش به‌سزایی دارند. این مدل در فضایی کارایی لازم را دارد که اعتقاد راسخی به مردم‌سالاری وجود داشته باشد. چون فروض این مدل بر وابستگی به همدیگر، اعتماد، همکاری، بلوغ و نهایتاً بازی با مجموع غیرصفر مثبت استوار است. این مدل برخلاف مدل دشمنی بین دولت و بخش خصوصی که متکی است بر استقلال، فرصت‌طلبی، تضاد، زورگویی و نهایتاً بازی با مجموع صفر، دولتی دوستدار بازار را در خود پرورش می‌دهد، ولی این به معنای توافق دولت و بخش خصوصی بر سر همه مسائل نیست. بنابراین در این مدل فرآیندها و تصمیم‌گیری‌ها مبتنی بر تفکر و عقلانیت در انتخاب استراتژی‌های مناسب برای برقراری ارتباط با بازار است. در این مدل فعالیت‌های دولت مبتنی است بر تعریف مساله و مشکلات و ارائه راه‌حل برای آنها، اتکا بر آرمان‌ها و اهداف جامعه در یافتن راه‌حل‌ها (برنامه‌های توسعه، چشم‌انداز، استقلال و سربلندی)، هدفمند کردن فعالیت‌ها براساس عقلانیت، منطق، سازگاری و پایداری آنها، گفت‌وگو و مذاکره برای رسیدن به تفاهم و دستیابی به ضروریات حل مساله (برای مثال تعیین نرخ سود بانکی با مشورت بخش خصوصی) و نهایتاً انجام فعالیت‌ها و شفاف‌سازی فعالیت‌ها و تنبیه کردن متخلفان. در این مدل که در فضای مردم‌سالاری قابل اعمال است بخش خصوصی پیش‌قدم در انجام عملیات است و دولت نیز به بخش خصوصی وفادار است. در این حالت بخش دولتی نیز به عنوان تکیه‌گاهی قوی برای بخش خصوصی عمل می‌کند و بخش دولتی پایگاه گروه‌های خاص و گروه‌های فشار نیست. گردش اطلاعات در این سیستم نقش حیاتی دارد و فرآیند عمل ارتباط بین دولت و بازار یک فرآیند مبتنی بر یادگیری است و نهادها و مؤسسات تولیدکننده اطلاعات هستند. این مدل می‌تواند برای اداره یک اقتصاد با سلیقه‌های مختلف کارکردی مناسب داشته باشند. حال سوال این است که با توجه به رابطه دولت و بخش خصوصی در ایران، این رابطه بر کدامیک از مدل‌های ذکر شده استوار است؟ تحقیقاً نمی‌توان گفت سه مدل اول.

وزیر اقتصاد اولین میهمان صبحانه اتاق تهران

بخش خصوصی نیاز به وزن‌کشی دارد

گروه اقتصادی: «دولت اگر احساس کند با حضور در جلسات محکوم می‌شود و یا مورد تمسخر قرار می‌گیرد دیگر در آن شرکت نخواهد کرد.» گفته وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت نهم که گویی گوشزدی مودبانه تلقی می‌شد برای فعالان بخش خصوصی به منزله ریختن آب پاکی بود.

اولین نشست صبحانه‌خوری اتاق بازرگانی تهران با مسوولان دولتی که با حضور دانش جعفری کلید آن زده شد، در حالی برگزار شد که گمان می‌رفت باب جدیدی را برای تسهیل موانع حضور فعالان بخش خصوصی در اقتصاد باز کند، اما گلایه وزیر اقتصاد مجالی برای بیان نگرانی‌ها باقی نگذاشت و انتقادات دانش جعفری از وزن‌کشی بخش خصوصی با واکنش منفی اعضای اتاق روبه‌رو شد. میهمان دولتی اتاق تهران موضع خود را این طور تبیین می‌کند: هرچند مواضع اعضای اتاق بازرگانی به حق است، اما این حق موجب بی‌احترامی به مسوولان نمی‌شود.

وی معتقد است: «برگزاری چنین جلساتی به منظور هم‌اندیشی برای رسیدن به اهداف مشترک دولت و بخش خصوصی است. باید در این جلسات به اهداف و راهکارهای مشترک برای اجرای سیاست‌های مشترک‌مان برسیم نه اینکه یکدیگر را محکوم کنیم. بنابراین اگر احساس کنیم با حضور در این جلسات دولت محکوم می‌شود یا مورد تمسخر قرار می‌گیرد دیگر در آن شرکت نخواهیم کرد.» وی در ادامه با بیان اینکه ذهنیت مردم و جامعه نسبت به بخش خصوصی کاملاً منفی است، می‌گوید: نظرسنجی‌های انجام شده حاکی از تفکر منفی مردم به خصوصی‌سازی است و ما این نظر را تایید نمی‌کنیم و معتقدیم که این ذهنیت باید تغییر کند از این‌رو برای از بین بردن این ذهنیت و استقرار بخش خصوصی در پیشتازی صنعت لازم است بخش خصوصی در ذهن مردم نمادسازی کند. وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌افزاید: در حال حاضر روند خصوصی‌سازی تسهیل شده است. دانش جعفری خطاب به بخش خصوصی می‌گوید: اگر شما پارلمان بخش خصوصی هستید باید بگویید که سایز این پارلمان چقدر است بنابراین تصور می‌رود که بخش خصوصی نیاز به وزن‌کشی دارد. بخش خصوصی باید تفکر ملی داشته باشد و باری به هر جهت حرکت نکند. این درحالی است که تفکر عام مردم این است که بخش خصوصی به دنبال نفع طلبی است در صورتی که این بخش نسبت به رسالت خود حساس است ولی این گونه موارد نیز نیاز به نمادسازی دارد تا جامعه با تمام وجود به این باورها برسد که این بخش مسوولیت‌پذیر است. بخش خصوصی باید ارزش صادرات واقعی را تعیین کرده و به مردم معرفی کند تا نمادسازی در اجتماع به سهولت انجام شود. وزیر امور اقتصادی و دارایی با انتقاد از حضور بخش خصوصی در پروژه‌های کوچک تصریح می‌کند: اگر در بخش خصوصی ثبات وجود داشته باشد نمایندگان این بخش می‌توانند برای حضور در پروژه‌های ۱۰۰ ساله برنامه‌ریزی کنند نه اینکه صرفاً در پروژه‌های کوچک محدود شوند. اگر بخش خصوصی در پروژه‌های بزرگ مشارکت کند، می‌تواند نقش ماندگاری در اقتصاد کشور داشته باشد و هیچ‌گاه تاثیر فعالیت‌هایش از بین نمی‌رود. به گفته «دانش جعفری» سایز و اندازه بخش خصوصی به اندازه‌یی است که نمی‌توان از آن انتظار تقبل کارهای کوچک را داشت. پدیده بخش خصوصی مختص انجام کارهای کوچک و جزئی نیست.

دانش جعفری: بخش دولتی باید جای خود را در اقتصاد خالی کرده و به همان میزان نیز بخش خصوصی ایجاد اشتغال در اقتصاد داشته باشد

وی با بیان اینکه اتاق بازرگانی خود را پارلمان بخش خصوصی می‌داند، اظهارکرد: اگر شما چنین ادعایی دارید ایرادی ندارد، پارلمان بخش خصوصی باشید، اما باید قبل از اینکه پارلمان بخش خصوصی باشید، بدانید اتاق برای ایفای این نقش از چه ظرفیت و قدرت مسوولیت‌پذیری‌یی برخوردار است.

خصوصی‌سازی روی دیگر سکه

همچنین دانش جعفری در جمع اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران در باره اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌گوید: به اعتقاد اکثر فعالان بخش خصوصی و مشتاقان به اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در بخش غیردولتی، با اجرای این سیاست‌ها باید نقش دولت در اقتصاد تغییر کرده و بیشتر محورهای اقتصادی به بخش غیردولتی واگذار شود. اما این اعتقاد تنها یک روی سکه خصوصی‌سازی است و روی دیگر سکه این است که بخش خصوصی چگونه باید نقش‌آفرینی کند.

بنابراین بخش دولتی باید جای خود را در اقتصاد خالی کرده و به همان میزان نیز بخش خصوصی ایجاد اشتغال در اقتصاد داشته باشد به نحوی که با فاصله گرفتن دولت از اقتصاد، بخش خصوصی باید آماده باشد تا این جایگاه را اشغال کند بنابراین بحث این است که چگونه باید این اتفاق حادث شود.

دانش جعفری تاکید می‌کند: پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی نیازمند یک فرآیند چند ساله است و شاید چندین برنامه پنج ساله توسعه‌یی نیاز داشته باشد. در این راستا نقش دولت این است که این بخش را مورد حمایت خود قرار داده و در سال‌های متمادی بنا به نیاز این بخش به حمایت از آن بپردازد.

وزیر امور اقتصادی و دارای در ادامه درباره ضرورت تغییر در ترکیب ۳۸ شورای دولت می‌گوید: در دولت موضوعی مطرح است که ترکیب شورای اقتصاد نباید به گونه‌یی باشد که در زمان اقتصاد دولتی بوده چراکه از این پس بخش خصوصی نیز می‌خواهد وارد عرصه فعالیت شود. دانش جعفری با اشاره به وجود ۳۸ شورا در دولت می‌افزاید: این شوراها به نوعی بخشی از وظایف دولت را انجام می‌دهند بنابراین در مورد آنها باید جایگاه بخش خصوصی را بازتعریف کرد. وی گفت: شورای اقتصاد که با ریاست رئیس جمهوری در کشور اداره می‌شود را می‌خواهیم به چهار یا پنج شورا برسانیم تا این شوراها بتوانند در مسائل اساسی اقتصادی کشور تصمیم‌گیری کنند. برای اجرای این تصمیم در دولت کمیسیونی تشکیل شده است تا ابعاد آن را بررسی کند.

دانش جعفری در خصوص انتقاد اعضای اتاق بازرگانی تهران از نحوه واگذاری سهام عدالت تصریح می‌کند: عرضه سهام عدالت مفهومش همان اقتصاد دولتی نیست و نباید کارکرد و تصمیم‌گیری دولتی در آن انجام شود. اگر در نحوه عرضه سهام عدالت مصادیقی از اقتصاد و انحصار دولتی وجود دارد به ما گزارش دهید تا با آن برخورد کنیم.

راه‌اندازی بانک اصل ۴۴

در ادامه حسین سلیمی رئیس انجمن سرمایه‌گذاری خارجی اتاق بازرگانی ایران گفت: دولت می‌خواهد بار ۶۰ میلیارد دلاری خصوصی‌سازی در ایران را به دوش بخش خصوصی گذارد اما باید به این نکته توجه کرد که این بخش هیچ امکاناتی ندارد بنابراین حداقل در مقطع کوتاهی باید امکانات مورد نیازش را فراهم کرد. وی افزود: وجوه دریافتی از محل فروش واحدهای واگذار شده در فرآیند اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی باید در یک بانک با نام اصل ۴۴ یا سرمایه‌گذاری خارجی واریز شود که منابع ذخیره‌شده در آن فقط و فقط برای پیاده‌سازی فرمان رهبر فرزانه انقلاب صرف شود در غیر این صورت این منابع به سمت کارهای جاری رفته و به نوعی هدر می‌رود.

سنجش وزن بخش خصوصی

همچنین اسدالله عسگراولادی نماینده بخش خصوصی در اتاق بازرگانی، در مراسم صبحانه‌خوری اتاق تهران خواستار سنجش وزن بخش خصوصی به لحاظ مالی از سوی وزیر اقتصاد شد و گفت: سرمایه بانک‌ها همه و همه از سوی بخش خصوصی است بنابراین تمامی دارایی‌های کشور متعلق به این بخش است. وی همچنین خواستار حذف مالیات بر صادرات از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی شد و این کار را گامی مهم برای رونق صادرات در کشور خواند.

انتقاد از شیوه عملکرد دولت

در ادامه عضو هیات نمایندگان اتاق ایران نیز گفت: بند ج سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی برای خود دولت باشد اما اجرای بند الف را به بخش خصوصی بسپارید تا آن را به درستی پیاده کند، چراکه رقابت‌پذیری را می‌توان با اجرای این بند شاهد بود. دولت برای سپردن بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی شاهنامه خصوصی‌سازی را به مجلس نبرد چراکه بخش خصوصی حاضر نیست بنگاهی را که ۴۰ درصد سهام آن به سهام عدالت تبدیل شده را خریداری کند. وی با انتقاد از شیوه عملکرد دولت در خصوص بهره بانکی می‌گوید: بهره بانکی برای تسهیلات گیرندگان خرد جامعه کمتر از تسهیلات گیرندگان کلان که همانا بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران اقتصادی هستند در نظر گرفته می‌شود در صورتی که بعضاً تسهیلات گیرندگان خرد ریسک بیشتری را به بانک تحمیل کرده و در برخی موارد اقساط وام خود را نمی‌پردازند به همین دلیل نیز بانک‌ها در ارائه تسهیلات به آنها تعلل می‌کنند. فزونی افزود: نباید جامعه را از انحصار بخش خصوصی ترساند. دولت معتقد است که انحصار دولتی بهتر از انحصار بخش خصوصی است اما دولت‌ها در ۲۷ سال گذشته کمتر اقدام مثبتی را برای اقتصاد کشور انجام داده‌اند.

همچنین «دانش جعفری» با تایید گفته‌های اعضای اتاق بازرگانی ایران مبنی بر اینکه اجرای بند «الف» اصل ۴۴ قانون اساسی مهمتر از بند «ج» آن است، خاطرنشان می‌کند: برای تحقق بند «الف» اصل ۴۴ بخش خصوصی باید از توانایی‌ها و امکانات خود استفاده کرده و منتظر نباشد تا دولت این امکانات را در اختیارشان قرار دهد برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی با محکوم کردن یکدیگر و ایراد گرفتن از گذشتگان به جایی نمی‌رسیم.

این نشست چند ساعته با گلایه وزیر اقتصاد از نپرداختن به سیاست‌های اصل ۴۴ و واکنش منفی اعضای اتاق نسبت به انتقادات وزیر دولت نهم پایان یافت.

تجربه

اعجاز کار گروهی در بنگاه‌های اقتصادی

دکتر محمد ایازی
دکتر علی فتح‌الله زاده‌خویی

شناخت اهداف گروه

تعیین اهداف مهمترین کاری است که باید پس از تشکیل گروه انجام شود. داشتن گروهی که از انگیزه قوی برخوردار است اما هر یک از اعضای آن هدف‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند هیچ فایده‌یی ندارد. ممکن است پس از تشکیل گروه و در طول فعالیت آن، به تدریج اهداف گروهی تغییر کنند. مثلاً زمانی که محصول جدیدی وارد بازار می‌شود معمولاً اولین اولویت کاری گروه تمرکز بر فعالیت‌های تحقیقاتی در مورد رقبا است و چنانچه هدف جلب رضایت مشتری باشد مهمترین هدف پیدا کردن راهی برای بالابردن استاندارد خدمات است. بسته به شرایط موجود و کاری گروه‌های کار اهداف مناسب را تعیین و در اولویت قرار می‌دهند و ملزم به پیدا کردن راه‌های مناسب جهت دستیابی به آنها می‌گردند.

اهمیت گروه

گروه‌ها حداقل به دو دلیل حائز اهمیت هستند. اول اینکه نتیجه کاری که با تعدادی مشخص به صورت گروهی انجام می‌شود، از کاری که همین تعداد به صورت انفرادی انجام می‌دهند، بهتر خواهد بود. وقتی که گروه در جهت انجام دادن کاری تلاش می‌کند، استعداد نهایی و تشریک مساعی میان خود را به‌وجود آورده و موجب استفاده کردن از تجربیات یکدیگر از طریق فعل و انفعالی که میان آنها به‌وجود می‌آید خواهد شد. در شرایط مناسب اعضای گروه یکدیگر را در جهت دستیابی به اطلاعات بیشتر و در نتیجه حل مشکل کمک می‌کنند و در شرایط غیرمناسب عملکرد گروه به مراتب بدتر از عملکرد همان تعداد به طور انفرادی خواهد بود. دوم اینکه کار گروهی برای به وجود آوردن رضایت خاطر کارکنان جهت رفع نیازهای داخلی و ارتباطی وسیله کارسازی است. کار گروهی باعث رضایت خاطر فردی اعضا از طریق ارتباط‌شان با حل مشکل خواهد شد و همچنین احساس وابستگی به موسسه و اهداف آن خواهند کرد. این احساس وابستگی باعث تلاش بیشتر کارکنان شده و پشبرد اهداف را در پی خواهد داشت.

گروه‌ها و تیم‌ها به عنوان بهبودبخشان اجرایی

یکی از مزایای استفاده از گروه دستیابی به یک نوع همکاری و همیاری است. اعضای یک گروه اگر به صورت تیم کار کنند قادر به تولید محصول بیشتر و بازدهی بالاتر خواهند بود. بسیاری از مسائل ظاهراً حل نشدنی، با مشارکت گروه‌های ذی‌نفع در ارائه یک راه‌حل، از طریق فرآیند منظم حل مساله حل شده‌اند. این روش، تنها به دلیل جنبه‌های فنی راه حل نبوده که موثر واقع شده بلکه به دلیل حس تعهد افراد نسبت به راه‌حلی بوده است که خود آن را ارائه کرده بودند.

عواملی که در همیاری یک گروه موثرند عبارتند از: توانایی اعضای گروه در استفاده از نظرات یکدیگر، تصحیح اشتباهات هم، رفع سریع مشکل به محض پیدایش آن و اطلاع‌رسانی به موقع برای رسیدن به هدف. در شرکت هال مارک با تشکیل تیم افزایش کیفیت کار و رسیدن به اهداف در نصف زمانی که این گروه به صورت انفرادی کار می‌کرد به دست آمد، برای اینکه بتوان از هم نیروزایی یک گروه استفاده بهینه کرد مدیران باید مطمئن شوند که دانش و مهارت‌های اعضای گروه مرتبط با کار گروهی آنها است. به عنوان مثال در این شرکت تخصص و مهارت گروه هنرمندان کار نویسندگان را تکمیل می‌کرد و بالعکس. یکی از رموز موفقیت گروه‌ها مطابقت دادن اعضای گروه با نوع وظایفی است که برعهده آنها گذاشته می‌شود. وظیفه گروه مدیریتی نیز این بود که آزادی و استقلال کافی را به کارمندان خود بدهند تا آنها بتوانند به هنگام بروز هرگونه مشکل آن را برطرف سازند. به منظور افزایش این همکاری، مدیران باید به کارکنان خود اختیار عمل دهند تا آنها بتوانند به عنوان مربی، راهنما یا منابع گروه عمل کنند. این مساله یکی از اصلی‌ترین علت‌های اختیار دادن به کارکنان از جانب مدیران است. توجه داشته باشید که توانایی بالقوه یک گروه کاری خوب محدودیت ندارد. هنگام ارجاع کارهای «غیرممکن» اعضای گروه همزمان با تلاش خود در جهت تبدیل «غیرممکن» به واقعیت اعتماد به نفس یکدیگر را تقویت می‌کنند.

گروه‌ها، تیم‌ها و پاسخ‌دهی به مشتریان

جوابگویی به متقاضیان همواره کار ساده‌یی نیست. به عنوان مثال در سازمان‌های تولیدکننده نیازها و علایق متقاضیان برای یک محصول جدید باید با هزینه و امکان‌پذیری تولید، قوانین امنیتی دولتی، رقابت‌های بازار و... در تعادل باشد. در سازمان‌های خدمات درمانی پاسخگویی هر چه سریع‌تر به بیماران و ارائه با کیفیت درمان‌ها، نیز باید با تامین نیازهای پزشکان و همچنین تحت کنترل نگه‌داشتن هزینه‌های درمانی در تعادل باشد. در سلسله مراتب یک سازمان برای برطرف کردن نیازهای مشتریان باید از تخصص و مهارت‌های مختلف و گوناگونی بهره برد. در بسیاری از موارد کارمندان رده پایین در تماس بیشتر با مشتری‌ها بوده و نیازهای آنان را بهتر می‌دانند. البته باید توجه داشت که این کارکنان اطلاعات تکنیکی پایینی دارند و ممکن است با همه مسائل آشنایی نداشته باشند در حالی که کارکنان واحدهای فنی و تحقیق و توسعه از اطلاعات و دانش کافی برخوردارند. با برقرار کردن رابطه کاری بین کارکنان که مستقیماً با مشتریان در ارتباط هستند و متخصصان بخش تحقیق و توسعه و شکل‌دهی آنها به صورت یک تیم می‌توان میزان پاسخگویی به مشتریان را بالا برد. در این حالت است که مدیران اطمینان خاطر پیدا می‌کنند که تخصص و اطلاعات لازم جهت تامین نیازهای مشتریان وجود دارد. به همین علت این اصل بسیار اساسی است که در یک کار گروهی باید تمامی تخصص‌ها و معلومات گروه در بین اعضا پخش و تقسیم شده باشد. مدیران آگاه باید به این نکته توجه کنند که اعضای تیم آنها به چه نوع اطلاعات و تخصص‌هایی نیاز دارند تا بتوانند نیازهای مصرف‌کنندگان را برطرف سازند. با آگاهی از این مساله آنها قادر خواهند بود که تیم‌های موفق و کارا تشکیل دهند.